

ایده‌هایم را از مشتریانم دارم

برق قوس «ی» که بر نام علی داده بود چشم را خیره می‌کرد. دقت لازم بود تا درک کنم چگونه با ابزاری زمخت روی حساس‌ترین جسم ممکن نقش می‌کشد. معلوم بود موهایش را در این راه سفید

کرده است. همه چیز تکمیل بود. اگر دلت می‌خواست برای کسی یادگاری تهیه کنی به سادگی لیوانی انتخاب می‌کردی و به دست هنرمند می‌سپردی. آقای غفاری که لقب استاد برانزده اوست سال هاست کار طراحی و نقاشی روی شیشه را انجام می‌دهد. ۵۶ ساله است و حدود هفده- هجده سال قبل پیشه‌اش در بازار طلاسازی بوده. در آن سال ها به دلیل رکود متأسفانه کسب و کارش تعطیل می‌شود اما دست از تلاش بر نمی‌دارد و هنرش را به سمت دیگری هدایت می‌کند. از او درباره ایده نقاشی روی شیشه می‌پرسم که می‌گوید: از وقتی یادم است به هنر علاقه دارم حتی در زمان خدمتم هم همیشه داوطلب کارهای هنری می‌شدم. در جوانی جذب حرفه طلاسازی شدم و کم کم با کار کردن برای دیگران توانستم حجره‌ای در بازار برای خودم دست و پا کنم. ابزاری که در آن زمان با آن کار می‌کردم بسیار حساس بود و جزو جایی ناپذیر حرفه‌ام محسوب می‌شد برای همین دائماً در حال تعمیرش بودم و حتی کار تعمیرات برای دیگران را نیز انجام می‌دادم. در حجره‌ام میزی داشتم که رویه‌ای شیشه‌ای داشت و وقتی مشتری برای تحویل ابزار به مغازه‌ام می‌آمد با حکاکی و امتحان کردن ابزار روی شیشه میز نشان می‌دادم که درست شده است. شب آن روزها بازار دچار رکود شدید شد و به خاطر قرض و بدهی مجبور به فروش مغازه شدم اما ابزارهایم را نگه داشتم چرا که جز آنها چیز دیگری برای دلگرمی نداشتم. پس از خانه نشینی از سر بیکاری روی هر چیزی طراحی می‌کردم. یک روز که قرار بود به میهمانی برویم همسرم به عنوان هدیه، پارچ و لیوان شیشه‌ای برای خانواده میزبان تهیه کرده بود. یاد میز شیشه‌ای ام افتادم که چه زیبا قلم بر رویش می‌خوابد، پس ابزارم را برداشتم و شروع به تراشیدن جمله‌ای به عنوان یادگاری روی لیوان‌ها کردم. اینکار نه تنها با استقبال همسرم همراه بود بلکه خانواده میزبان با گذشت سال‌ها هنوز هم آن پارچ و لیوان را دارند. پارچ و لیوانی که اگر نقش‌ها رویش نبود قطعاً تا به امروز به جان نمی‌ماند.

پس از شکل‌گیری ایده در ذهنش شروع به کار در نمایشگاه‌ها و غرفه‌های صنایع دستی می‌کند. فریدون غفاری در این باره توضیح می‌دهد: بعد از آنکه استقبال اطرافیان را دیدم دنبال راه چاره گشتم تا دیده شوم. یکی از اتاق‌های خانه‌ام را به کارگاه تبدیل کردم و از اطرافیان سفارش می‌گرفتم تا اینکه با سازمان صنایع دستی آشنا شدم و کارهایم را در نمایشگاه‌ها و غرفه‌هایی که سازمان صنایع دستی برگزار می‌کرد به نمایش گذاشتم. همه چیز تا چند سال پیش خوب بود و اگر اوضاع به همین منوال پیش می‌رفت می‌توانستم مغازه‌ای برای خودم دست و پا کنم اما همه چیز ناگهان پولی شد چرا که سازمان صنایع دستی دیگر غرفه‌ها را رایگان در اختیار هنرمندان قرار نمی‌دهد. این اواخر با آمدن بخش خصوصی اوضاع بدتر هم شده چرا که این دو با هم در اجاره بها به رقابت افتاده‌اند یعنی بخش خصوصی نرخش را با قیمت تعیین شده توسط بخش دولتی افزایش می‌دهد و همین



طور بخش دولتی تا نگاه به بخش خصوصی نرخ تعیین می‌کند. به ناچار غرفه‌ای را به مدت یک هفته با اجاره بهای روزی سیصد و پنجاه هزار تومان گرفتم. اگر سؤال برایتان پیش آمده که حتماً صرف می‌کند که گرفتنی باید بگویم اجاره بها در می‌آید اما باید در نظر داشته باشید که من خرج زندگی می‌دهم آن هم بدون بیمه و مزایا.

او در پاسخ به این سؤال که چگونه مشتری‌هایش پیدایش می‌کنند توضیح می‌دهد: قبلاً به هر مشتری‌ام کارت می‌دادم و از او می‌خواستم مرا با اقوام و اطرافیان‌ش آشنا کند. حالا که بچه‌هایم بزرگ شده‌اند وارد شبکه‌های اجتماعی شده‌ام و صفحات مختلفی برای تبلیغات کارم دارم. همچنین چند وقتی است که خیلی کوچک شماره تلفنم را زیر سفارش‌ها حک می‌کنم تا افراد با دیدن کارم در صورت تمایل بتوانند پیدایم کنند.

از آقای غفاری در مورد گسترش شغلیش می‌پرسم و او در پاسخ می‌گوید: همیشه دنبال چاره‌ای برای بهتر شدن هستم. از چند سال گذشته به تقاضای چند نفر از مشتریانم شروع به آموزش خصوصی این کار کردم، البته توقع بعضی از هنرجویانی که به سراغم می‌آیند واقع بینانه نیست چرا که پیش زمینه چنین هنری نیاز به دارا بودن مهارت و هنرهای وابسته به طرح و نقش است. مثلاً کسی که می‌خواهد روی شیشه طرح بزند باید با نقاشی بلد باشد یا خطاطی. غیر از آموزش هم به پیشنهاد یکی از مشتریانم شروع به نوشتن آیات قرآنی تا دعا روی ظروف بلوری کردم که خیلی گوش کردن به این پیشنهاد برابرم عالی بوده است. الان که به گذشته بر می‌گردم می‌بینم همه ایده‌هایم را از مشتریانم دارم.

هنر کسب و کار

محبوبه مصرفانی

سمت فناوری‌های توسعه‌ی است. اینکه ما در تاریخ خود همواره شاهد جریان‌هایی هستیم که با فناوری‌های نو به جرم نو بودن مخالفت می‌کنند، از رادیو و تلویزیون و ویدئو بگیریم تا امروز که به عصر اینترنت رسیده‌ایم: «متأسفانه مواجهه ما با فناوری که عمدتاً یک مواجهه منفعلانه بوده است، برخورد فعال یا بسیار فعال نبوده است. جلوتر که می‌آییم و به عصر اینترنت می‌رسیم، می‌بینیم همین بحث‌ها به شکل دیگر امروز هم مطرح می‌شود. شما می‌بینید امروز هم همان بحث‌ها به گونه‌ای دیگر درباره شبکه‌های اجتماعی راه افتاده است اما ما کمتر از زاویه برخورد فعالانه با این فناوری‌ها به موضوع پرداخته‌ایم. مثلاً اینکه موج فناوری چگونه می‌تواند ایجاد بازار و کسب و کار و تولید ثروت کند. خوشبختانه در کشور نمونه‌هایی راه افتاده است. این نمونه‌ها در حوزه‌های آی تی بیس و خدمات بیس است، یعنی حوزه‌هایی که زود به بازار می‌رسد. یک دفعه می‌بینید دو جوان ۱۹ ساله یک فروشگاه عظیم اینترنتی را راه اندازی می‌کنند و در ۱۰ سال چرخه مالی و ظرفیت مالی آن را به چند صد میلیارد می‌رسانند، در حالی که ما در باور عمومی - فرهنگی و کسب و کار سنتی مان قبول نداریم که یک جوان ۱۹ساله بتواند به چنین جایگاهی برسد. اما الان می‌بینیم که می‌شود. من به شما بگویم امروز چند نمونه از

تیغ تندروها شاهرگ کار آفرینی کشور را نشانه گرفته است

قطار تخریب جریان رسانه‌ای غوغاسالار در آستانه انتخابات به «صندوق نوآوری و شکوفایی» رسیده

ایمان صارمی

نخستین روز هفته گذشته بود که روزنامه جوان، تیتیر یک خود را به گزارش با عنوان «دورهمی مدیران دولتی در شرکت‌های دانش بنیان» اختصاص داد. با وجود آنکه امروز بسیاری از نخبگان و مدیران تراز اول کشور از آنچه امروز در صندوق نوآوری و شکوفایی می‌گذرد به عنوان نوید یک پویست‌اندازی بزرگ در اقتصاد کشور یاد می‌کنند و خرسندند اما رسانه‌های تندرو اینک از این نوید توسعه و گام بزرگ کشور به عنوان «رشد ۵۰ برابری حیاط خلوت‌های مالی در دولت یازدهم» یاد می‌کنند و چنان بر واقعیت، پوستین وارونه می‌پوشانند که انگار همه نخبگانی که در این مرکز بزرگ تحول کار آفرینی کشور جمع شده‌اند مشت‌ی اختلاسگر حرفه‌ای هستند.

جریان رسانه‌ای که تلاش می‌کند از هر جناح و زاویه ممکن دستاوردهای دولت را هیج و پیوج‌نمایاند ناگهان در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و در روزهایی که بزرگان از جمله مقام معظم رهبری هشدار می‌دهند که مبدا و رقابت‌های انتخاباتی منجر به تخریب و تحریف دستاوردهای کشور شود به این کشف بزرگ نائل می‌شود و ارشمیدس وار بنای «یاقتم یاقتم» سر می‌دهد، البته از آنجا که گزارش این روزنامه نتوانسته استدلال‌هایی منطقی همراه با داده‌های علمی در این باره طرح کند تناقض میان رشد دستاوردهای صندوق نوآوری و شکوفایی - که زیر نظر معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری فعالیت می‌کند - و ادعاهایش را بی‌جواب گذاشته و با وجود آنکه اعتراف کرده است: «تعداد شرکت‌های دانش بنیان از ۵۵ شرکت در سال ۹۶ به بیش از ۳ هزار شرکت در سال ۹۵ رسیده و رشدی قابل توجه داشته است.» اما در دیگر سو این گزاره کلی و بدون سند را آورده است که «با وجود این رشد حیرت‌انگیز اما این شرکت‌ها در کارنامه عملکردی خود چندان چیزی برای عرضه ندارند.»

همچنان که بخش‌های دیگر این گزارش آلوده و آکنده به همان ادبیات کلی گویی و بدون مدرک شده است: «رشد بیش از ۵۰ برابری ایجاد شرکت‌های دانش بنیان طی دولت یازدهم هر چند می‌تواند خبری خوشایند تلقی شود، اما دستاوردهای نامحسوس این رشد حیرت‌انگیز اصل ماجرا را کمی مخدوش می‌کند.» اما انتشار این گزارش در هفته گذشته و حمله چشم بسته به جایگاهی که می‌توان آنجا را قلمستان و گلخانه تحول اقتصادی ایران لقب داد از سوی صندوق نوآوری و شکوفایی

«برخلاف دولت‌های نهم و دهم که در دلارهای نفتی شنا می‌کردند و البته ای کاش آن همه منابع عظیم به اکوسیستم کار آفرینی کشور تزریق می‌شد، دولت یازدهم با وجود همه تنگناهای مالی در حالی چتر حمایت خود را بر سر شرکت‌های دانش بنیان گسترانده که تا پیش از ورود این دولت با وجود دست باز دولت‌های نهم و دهم فقط ۵۵ شرکت تحت حمایت صندوق نوآوری و شکوفایی قرار داشتند

حمایت از شرکت‌های دانش بنیان پس از دیدار مدیران این شرکت‌ها با رهبر معظم انقلاب در ماه رمضان سال ۱۳۹۱ و تأکیدات معظم له، در دستور کار همه دستگاه‌های اجرایی کشور و خصوصاً معاونت علمی و فناوری قرار گرفت و توجه به این شرکت‌ها پس از ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی از سوی قوای سه‌گانه

«تیم نگاه

بی‌پاسخ نماند، این صندوق در همان روز جوابیه‌ای برای این روزنامه فرستاد و یادآور شد که هجده این روزنامه به صندوق نوآوری و شکوفایی به عنوان مرکز حمایت از اقتصاد دانش بنیان در حالی صورت می‌گیرد که توسعه شرکت‌های دانش بنیان یکی از مهم‌ترین سفارش‌ها و رهنمودهای رهبری در سال‌های گذشته بوده است: «براساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، توسعه علم و فناوری کشور طی چند دهه گذشته روند پرشتابی گرفته است که توسعه شرکت‌های دانش بنیان یکی از نتایج این روند مبارک و در راستای اقتصاد مقاومتی بوده است. حمایت از شرکت‌های دانش بنیان پس از دیدار مدیران این شرکت‌ها با رهبر معظم انقلاب در ماه رمضان سال ۱۳۹۱ و تأکیدات معظم له، در دستور کار همه دستگاه‌های اجرایی کشور و خصوصاً معاونت علمی و فناوری قرار گرفت و توجه به این شرکت‌ها پس از ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی از سوی قوای سه‌گانه گانه افزایش یافته است.» تقریباً در همه سخنرانی‌های معظم‌له که موضوع شرکت‌های دانش بنیان مطرح می‌شود، بر شرکت‌های دانش بنیان تأکید مجددی می‌شود که این تأکیدات چند صد باره در قالب کتابی مفصل تحت عنوان «راهبرد تولید دانش بنیان، جایگاه شرکت‌های دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی» جمع‌بندی و منتشر شده و به پیوست ارسال می‌شود. در شرایطی که رهبر معظم انقلاب به دفعات از رشد روزافزون شرکت‌های دانش بنیان، ابراز رضایت کرده‌اند، ایجاد شبهه و تردید در این حرکت پرشور قطعاً به نفع ملی کمک نمی‌کند. روند ارزیابی و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان به صورت شفاف در دید همگان قرار دارد. شرکت‌های متقاضی براساس مصوبات کارگروه ارزیابی شرکت‌های دانش بنیان که متشکل از ۱۲ وزارتخانه

و صاحب‌نظر است، تأیید می‌شوند و مستندات و فرآیند ارزیابی و فهرست شرکت‌های دانش بنیان تأیید شده به صورت دقیق روی سامانه ارزیابی شرکت‌های دانش بنیان به آدرس www.Daneshbonyan.ir قرار دارد. همچنین فرآیند ارائه تسهیلات مالی روی سامانه صندوق نوآوری و شکوفایی به آدرس www.nsfund.ir قابل رؤیت است و ناظران آگاه و علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به آنها میزان ادعای اینکه «هر شرکت دانش بنیان یک حیاط خلوت مالی برای دورهمی مدیران دولتی» است را بررسی کنند. مطمئناً ایجاد و توسعه پرشتاب شرکت‌های دانش بنیان براساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، هرگز متوقف نخواهد شد.»

چرا از شرکت‌های دانش بنیان حمایت می‌شود؟ اما واپسین روزهای سال ۹۵ و در آستانه افتتاح شبکه مدیریت نوآوری ایران، دکتر بهزاد سلطانی، رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی اظهارات مهمی درباره فعالیت‌های این صندوق داشت که می‌تواند بسیاری از شبهه‌هایی را که این روزها از سوی غوغاسالاران طرح می‌شود حل و فصل کند، گو اینکه کارنامه موج سواران سیاسی نشان داده است آنها بیشتر از آنکه دنبال حقیقت باشند می‌خواهند حقیقت را به رنگ خواسته‌ها و مطالبات خود در آورند.

نکنه اول درباره چرایی حمایت از شرکت‌های دانش بنیان بوده پاسخ به طور خلاصه این است: اگر قرار باشد صندوقی برای حمایت از فضای کار آفرینی بی‌هیچ فیلتری فعالیت کند همان قصه پرغصه‌ای به وجود خواهد آمد که در دولت‌های نهم و دهم پدید آمد، یعنی یک آشفتگی ویرانگر و وحشتناک مالی به نام حمایت از کسب

افزایش یافته است. تقریباً در همه سخنرانی‌های معظم‌له که موضوع‌های اقتصادی مطرح می‌شود، بر شرکت‌های دانش بنیان تأکید مجددی می‌شود

مزیت مهم دیگر شرکت‌های دانش بنیان در کمک به اکوسیستم کار آفرینی کشور بهره‌وری بالای آن‌هاست. مطابق با آمارهای منتشر شده پایه‌ریزی هر شغل در شرکت‌های دانش بنیان ۳۰ میلیون تومان هزینه دارد این در حالی است که اگر دولت بخواهد رأساً و با تأسیس سازمان‌ها و ساختمان‌ها و خرید تجهیزات این کار را انجام دهد این رقم افزون بر ۳۰۰ میلیون تومان خواهد بود، این در حالی است که مزیت‌های این گونه از اشتغال‌ها صرفاً در مؤلفه‌های اقتصادی خلاصه نمی‌شود

این شرکت‌ها را می‌بینید، فرض کنید ۱۰ برند شاخص به چشم‌تان می‌خورد اما ۱۰۰ تایی دیگر از اینها هم دارد. راه می‌افتد و هر کدام از اینها در یک حوزه می‌توانند تحول ایجاد کنند.»

دانش بنیانی‌ها هزینه شغل را به ۳۰ میلیون تومان رسانده‌اند

مزیت مهم دیگر شرکت‌های دانش بنیان در کمک به اکوسیستم کار آفرینی کشور بهره‌وری بالای آن‌هاست. مطابق با آمارهای منتشر شده پایه‌ریزی هر شغل در شرکت‌های دانش بنیان ۳۰ میلیون تومان هزینه دارد این در حالی است که اگر دولت بخواهد رأساً و با تأسیس سازمان‌ها و ساختمان‌ها و خرید تجهیزات این کار را انجام دهد این رقم افزون بر ۳۰۰ میلیون تومان خواهد بود. این در حالی است که مزیت‌های این گونه از اشتغال‌ها صرفاً در مؤلفه‌های اقتصادی خلاصه نمی‌شود چرا که ایده‌سازی، صیقل و هرس ایده‌ها، تیم‌سازی و بازرخوردگیری از بازار و بازاریابی و هر آن چیزی که معطوف به موفقیت یک کسب و کار می‌شود از دوش دولت و مجموعه‌های دولتی ساقط می‌شود و به مجموعه‌های جوان متخصص و خلاق سپرده می‌شود که هم سودای تولید و بهره‌گیری از علم در سطوح بالا را دارند و هم چشمی به بازارهای داخلی یا حتی منطقه‌ای و بین‌المللی چرخانده‌اند.

اقتصاد دانش بنیان از ۵ دهم درصد تا ۱۰ درصد GDP

مطابق با آنچه امروز از زبان مدیران و متولیان اقتصاد دانش بنیان کشور طرح می‌شود اقتصاد دانش بنیان در حال حاضر کمتر از نیم درصد اقتصاد کشور را دربر می‌گیرد: «طبق محاسباتی که در ابتدای راه اقتصاد دانش بنیان هستیم و تازه به جایی رسیده‌ایم که می‌خواهیم ببینیم چه می‌شود کرد؟ ما در این چهار سال موج بزرگی را رد کرده‌ایم و از حجم شرکت‌های دانش بنیانی که سال‌ها پشت نوبت ارائه تسهیلات و سرگردان باز شدن چتر خدمتی بر سرشان بودند کاسته‌ایم و خوشبختانه دولت تدبیر و امید هم با درک اهمیت موضوع و با وجود محدودیت‌ها و تنگناهای مالی، دست صندوق را در حمایت از شرکت‌های دانش بنیان باز گذاشته و از این زاویه ما سامان خوبی به این شرکت‌ها داده‌ایم و الان هم به این موضوع فکر می‌کنیم که برنامه راهبردی‌مان چیست. برآورد ما به‌عنوان نهادی که بیشترین تماس و ارتباط با شرکت‌های دانش بنیان را داشته داریم این است که موج حرکت فناوری در کشور راه افتاده است، ما این موج را پیش از هر زمان دیگری حس می‌کنیم چون در بطن این رویداد هستیم و در جریان زایش و رشد این شرکت‌ها قرار داریم.»

چرا با فناوری‌های نو مقابله می‌کنید؟

اما نکته دیگری که در آیین افتتاح شبکه مدیریت نوآوری کشور از سوی رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی مطرح شد تغییر نگرش و زاویه دید به

عظیم‌ترین درخت‌ها سفرشان را از دانه‌ای کوچک آغاز می‌کنند.

عکس نوشت

محمد مهر

